

تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه

۱۳۴۴-۱۹۰۶ ق / ۱۹۲۵-۱۵۰۰ م

ویلم فلور

ترجمه مرتضی کاظمی یزدی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

Floor, Willem, M	سرشناسه: فلور، ویلم ۱۹۴۲
تاریخچه مالی - مالیاتی از صفویه تا پایان	عنوان و نام پدیدآور:
۱۳۴۴-۱۹۰۶ق/ ۱۹۲۵-۱۵۰۰م	ویلم فلور، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی
مشخصات ظاهری: ۷۳۰ص	مشخصات نشر: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	شاپک: جلد: ۹-۹۳-۶۰۸۲-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت مالی و مالیاتی ایران	یادداشت:
از صفویه تا پایان قاجار به	
یادداشت: کتابنامه	یادداشت: واژه نامه
موضوع: ایران - سیاست اقتصادی	موضوع: مالیه عمومی - ایران تاریخ
کاظمی یزدی، مرتضی، مترجم	شناسه افزوده:
رده بندی دیویی: ۳۳۶/۵۵	رده بندی کنگره: HJ۱۳۱۸/الف ۲۱۳۹۳
۳۴۸۷۶۷۵	شماره کتابشناسی ملی:



نشر تاریخ

نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

تاریخچه مالی - مالیاتی از صفویه تا پایان قاجار به

ویلم فلور، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی

اجرا: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: علایی

القدير

چاپ اول: ۱۳۹۴

شاپک: ۹-۹۳-۶۰۸۲-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست مطالب

۹	درباره نویسنده
۱۱	دبیاچه
۱۳	پیشگفتاری از مترجم
۱۵	پیشگفتار
۱۹	فصل یک
۶۱	فصل دو
۱۰۷	فصل سه
۱۵۳	فصل چهار
۱۸۱	فصل پنج
۲۹۱	فصل شش
۳۳۷	فصل هفت
۳۶۰	فصل هشت
۴۱۹	فصل نه
۵۷۱	فصل ده
۶۵۳	فرجام سخن
۶۶۳	کوتاه نویسی برخی منابع
۶۶۵	واژگان
۷۰۳	منابع و مأخذ
۷۱۹	فهرست اعلام

درباره نویسنده

دکتر ویلم فلور از سال ۱۹۸۳م در بانک جهانی به سمت کارشناس انرژی شاغل بوده و با مسائلی چون برق‌رسانی به روستاها، انرژی توده آبی، انرژی‌های جایگزینی و تجدیدپذیر سر و کار داشته است. وی در زمینه پیشرفت اقتصادی، جامعه‌شناسی، زبان‌های فارسی و عربی در دانشگاه او ترخت هلند ۶۷-۱۹۶۳م آموزش یافته و درجه دکتری خود را در جامعه‌شناسی از دانشگاه لیدن دریافت کرده است. با پایان یافتن تحصیل، او سرگرم کوشش‌های وابسته به توسعه و پیشرفت شد و از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۴م در بنیاد هلندی داوطلبان کار در کشور ساحل عاج وارد شد. در بازگشت به کشورش، فلور در وزارتخانه پیشرفت همکاری به عنوان مشاور سیاست‌گذاری در امور کشاورزی و انرژی جهان سوم مشغول گردید. اگرچه فعالیت‌های کاری او وقت بسیار از او در مسافرت‌ها و مأموریت‌ها می‌گرفت، لیکن باز هم برای فعالیت‌های شخصی خود نیز وقت کافی تخصیص می‌داد، مانند تمبر جمع کردن، خواندن مطالب به ویژه مطالعه در تاریخ خاورمیانه و ایران.

در حال حاضر فلور توجه بیشتری صرف دوره صفوی کرده است و دو کتاب تازه را به پایان برده است، به نام‌های صنایع پارچه‌بافی ایران از ۱۹۲۵-۱۵۰۰م و نیز نهاد‌های دربار و حکومت صفوی.

دیباچه

اگرچه تاریخ سیاسی سلسله‌ها و دودمان‌هایی که در گذشته بر ایران حکم رانده بودند، بیشتر موضوع پژوهش گردیده و نشر یافته است و اما اقتصاد سیاسی آن و اصول ناظر بر جمع‌آوری مالیات‌ها و تأثیرات اجتماعی، کشاورزی و بازرگانی سیاست‌گذاری‌ها نسبتاً با توجه کمتری روبه‌رو بوده‌است. با این همه پیکره درخوری از ادبیات و اسناد وابسته به لایه‌های اقتصاد و مدیریت در تاریخ جامعه ایران، به ویژه در دوره‌های صفوی و قاجاری طی دهه‌های گذشته نزدیک فراهم شده و پدید آمده است. مینورسکی، ایران‌شناس پرآوازه روس از کشور شوروی سابق نظریات ارزشمند و پیشروش را در کتاب تذکره‌الملوک که ویرایسته اوست و دستورالعمل رفتار مدیریت مالی دوره صفوی است (۱۹۴۳م) عرضه داشته است؛ خانم آن لمبتن، پژوهشگری توانا از کشور بریتانیا تحقیقات بنیادیش را در کتاب‌های مالک و زارع در ایران (۱۹۵۳م) و نیز تداوم و تحول، جنبه‌های مدیریت، اقتصاد و تاریخ اجتماعی ایران در سده‌های ۱۱ تا ۱۴ق (۱۹۸۸م) و پتروشفسکی پژوهشگر مهم دیگری از کشور شوروی سابق با چندین اثر ارزشمند از جمله: کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در سده‌های ۱۴-۱۳ق با رهبر برن ایران‌شناس آلمانی و اثر سودمند و کمکی خود به نام نظام ایالات در دوره صفوی سده‌های ۱۱-۱۰ق (۱۹۳۳م) از جمله پژوهش‌هایی است که به گستردگی دانش کنونی ما در این عرصه‌ها یاری رسانده‌اند، و باز هم کوشش‌های دیگری از بسیاری کسان مانند ایرج افشار، ژان اوین، اوژن اوین، بارث، باری‌یر، فراگتر، عیسوی، کدی، کیوانی و رومر می‌توان نام برد که در راستای این پژوهش یاری‌های ارزشمندی داشته‌اند. دکتر فلور در پیشاپیش همه در این وادی از

ادبیات تاریخی گام نهاده است. مهارت در آموخته‌های او، علاقه به جنبه‌های اقتصادی - مدیریتی سرزمین ایران پس از دوره تیموری و تسلط او بر منابع اصلی و دسترسی بر بایگانی غنی هلند، او را در پیراستگی بیشتر این زمینه از دانش با شماری از آثار زیرکانه‌ای توانمند ساخته است.

اثر حاضر در تعریف و تحلیل سیاست‌های مالیاتی و دستگاه مالی فراگیر از دوره صفوی تا پایان قاجاری کوشش پرارزشی به جا گذاشته است. چگونگی تعیین درآمدهای کشور، وصول این درآمدها و هزینه و مصرف شدن آنها که در واقع رفتار اقتصادی نهفته در هر کشور است. دکتر فلور در برخورد با این موضوع، روشنگری درخور توجهی بر شیوه مدیریت زمین، وضعیت روستاها، مدیریت اراضی وقفی، ممالک، خالصه، و موات، گوناگونی مالیات‌ها، تعرفه‌ها، عوارض و باج‌های غیرقانونی، دستگاه‌های مرکزی و ایالتی مالیات‌ها، شیوه‌های بودجه‌بندی، نگاهی ژرف و دقیق افکنده است. او همچنین شمار بسیاری از مقام‌های رسمی کشور و عنوان‌ها و نیز واژه‌هایی چون: تیول، سررشته‌داری، بیگلربیگی، تمغا، وظیفه، مقرری، همه‌ساله، صدرخاصه، صدرممالک، صاحب جمع، تحویلدار، ناظر، مستوفی، سیورغال، مددخرج، سیورسات، مداخل، تحصیلدار، و دفاتر حساب‌ها مانند: قانون، روزنامه، توجیه، جمع، رسومات، وجوه و بسیاری دیگر را برشمرده است که در واژگان پایانی کتاب اشاره شده‌اند.

سرانجام با توجه به ترجیح نویسنده، متن کتاب از انبوه علایم و نشانه‌های سجاوندی کمتری برخوردار است که گرچه همه واژه‌های غیرانگلیسی و یا فنی ضمن واژگان پایانی با حرکت‌گذاری آوایی مناسب خود با حروف انگلیسی ذکر شده و با استفاده از چنین ترتیبی که شاید مورد پسند و پذیرش همگانی واقع نشود (اما شاید که به هیچ ترتیب دیگری هم ممکن نمی‌گردید)، با این همه به هیچ روی از ارزش ذاتی این پژوهش سترگ و فراموش ناشدنی برای همه پژوهندگان تاریخ ایران و اقتصاد دوره پیش مدرن آن نیز هیچ نکاسته است.

دکتر احسان یارشاطر

دبیر پژوهش‌های ایرانی

در دانشگاه کلمبیا

پیشگفتاری از مترجم

کتاب ترجمه شده پیش روی شما، چنان که از نامش برمی آید، درباره وضع مالی - مالیاتی ایران طی ۴۲۵ سال و هنگام دودمان‌های حکومتگر صفوی، افشاری، زندی و سرانجام قاجاری می باشد که بیشترین زمان به دودمان‌های نخست و پایانی تعلق دارد. گرفتن مالیات و نظم امور آن به قسمی که دستگاه‌های مالی - اداری آن را به سامان برسانند، طبعاً در استقرار این حکومت‌ها ضرورتی حیاتی داشته است و جای انکار نیست، اما شگفتنا چیزی که بسیار جای درنگ و حیرت دارد، شدت و حدت ستم و بیدادی است که در گرفتن مالیات‌ها به بهانه نكهداری تاج و تخت و دستگاه‌های حکومتی به کار رفته، می باشد که تفصیل آن در متن کتاب روشن می گردد.

گرفتن مالیات‌ها در این دوره از ۱۳۴۴-۹۰۶ق / ۱۳۰۴-۸۷۹خ / ۱۹۲۵-۱۵۰۰م به درازا کشیده و هیچ‌گاه به شیوه‌ای یکسان و یکنواخت نبوده و بسته به محرک‌هایی چند مانند جنگ‌های با دشمنان و یا بیشتر برای ریخت و پاش‌های شاهان و درباریان و دستگاه ستمگر ارباب رعیتی نهفته در جامعه در نوسان بوده است. اگرچه این دوره نسبت به دوره‌های پیشین، مالیات‌ها و عوارض گوناگون نظم بیشتری یافته‌اند. هرچند که در نهایت به جای آنکه گرفتن مالیات‌ها به بهبود حال و روز مردم کشور بیانجامد و به سوی پیشرفت و تعالی رفته باشد، برعکس به سوی عقب ماندگی و بیچارگی آنها سوق داده شده است. هزینه‌هایی که از گذر مالیات‌ها توسط این حکومت‌ها خرج شده، در واقع تاوان خواسته‌های نامشروع شاهان و درباریان آنها از راه بهره مالکانه و مالیات‌ها و عوارض و باج‌های رنگارنگ که نام برخی از آنها چنین یاد گردیده است: علفه، علوفه، قنلغا، ساوری، پیشکش، سلامانه، دست‌انداز، عیدی، نوروزی، خرج،

حق السعی زرچریک، آلام، بنیچه، کندلک، ده یک، ده ونیم یک، شیلان بها، مردکار، بیگار، مالوجهات، اخراجات و خارجات حکمی و رسم داروغگی، رسم التحریر، خراج، جزیه و غیره بوده است.

به گفته شاردن جهانگرد و مورخ آن روزگار، شاه ایران ثروتمندترین شاه در جهان بود، اما باید افزود او این ثروت را از کجا به دست آورده بود جز اینکه مالیات‌ها و عوارض و باج‌های گوناگون را که از گرده مردم به زور و با عنف می‌ستاند. همین زورستانی‌ها و ولخرجی‌ها، مردم را از یک زندگی سالم و سرافراز بازداشت و ترس و ناامنی را در وجودشان نهادینه کرد.

اما درباره کتاب و نویسنده آن که از خاورشناسان و زبده و بی‌غرض است، آثار دیگری از او در سال‌های گذشته منتشر شده است. باید گفت که استناد وی بر مراجع تاریخی مستند و معروف می‌باشد. او خوب و بد را یکسان مطرح کرده و اگر در جایی گفته‌اش کمی تلخ است و به مذاق ننشیند باید پذیرفت که:

آینه چون نقش تو بنمود راست خودشکن آینه شکستن خطاست

نویسنده فرازهای این تاریخچه را با استناد بر روایت‌های مورخین ایرانی و غیرایرانی آورده است و طبعاً مسئول صحت و سقم آن اوست و خواننده هوشمند خود به قضاوت و داوری می‌نشیند.

تذکر نکته‌ای بد نیست که نویسنده تا پیش از تغییر تقویم هجری قمری به هجری شمسی یا خورشیدی در ایران همواره تاریخ‌ها را به میلادی و هجری قمری برابر یاد کرده است، اما در جاهایی که از ذکر برابر قمری برای تاریخ میلادی خودداری ورزیده، مترجم خود برابری سال میلادی را با سال هجری شمسی یا خورشیدی افزوده است، تا برای خواننده معاصر آشنا تر گردد.

در پایان از یاری و کمک سرکار خانم فرشته مجیدی دخت عنایت‌الله به پشتوانه خزانه کتاب دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به سرپرستی آقای بجنوردی در تنظیم لیست برخی از منابع و مآخذ بی‌دریغ همت کرد، سپاسگزاری می‌شود و نیز با سپاس فراوان و بی‌شائبه از ناشر محترم، یعنی نشر تاریخ ایران که چاپ و نشر این اثر را که برای جامعه پژوهشگر تاریخ این سرزمین بسیار سودمند خواهد افتاد، پذیرفته و به کمال مقصود رسانده است و سلام و درود بر همه.

مرتضی کاظمی یزدی

پیشگفتار

دستگاه مالی - مالیاتی ایران از ۱۳۴۴-۹۰۶ق / ۱۹۲۵-۱۵۰۰م در ادامه همان روش‌ها و سنن دوره‌های پیشین بوده است و نه تنها در امور مالیاتی، بلکه در آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مدیریتی و نیز در سیاست مالی حکومت به همان گونه که پیشتر بوده، باز هم تداوم یافته است. این کتاب به تعریف راهکارهای دستگاه مالیاتی و مقاصد حکومت از سیاست مالی آن کوشیده است.

بیش از همه، به لحاظ اهمیت در این دستگاه، توان حکومت و با تعمیم توان حکومتیان در کسب منافع هرچه فزونتر از آنچه پیش از آن، معمول بود، انجام می‌شد. این دستگاه به حکومت‌های صفوی و قاجاری این امکان را داد، تا با افزایش مدام مالیات‌ها، هزینه قشون‌کشی‌ها، دیوان سالاری، وسایل ارتباطی و دیگر خدمات ضروری آنان فراهم گردد. این کوشش‌ها از آن رو که حاکمان می‌بایست از گوشه‌های مختلف قلمرو خود، در برابر تهدیدهای بیرونی به دفاع می‌پرداختند، بجز ضروری و حیاتی بوده است.

دستگاه مالیاتی و سیاسی هر دو با محوریت مرکزی و نیز بسته به جای خود عدم محوریت مرکزی مبتنی بوده‌اند. در مرکز شمار مالیات‌هایی که می‌بایست وصول می‌شد: نرخ‌ها، قوانین وصول و نیز مدیریت آنها تعیین می‌گردید. شاه هم باج‌گذار و هم باج‌گیر بود. البته وصول مالیات‌ها عملاً غیرمتمرکز صورت می‌گرفت. از این رو حکمرانان ولایات اگرچه رسماً نماینده قدرت مرکزی بودند، اما در عین حال وظایف صرفاً محلی نیز اجرا می‌کردند. به این ترتیب هیچ تمایزی به لحاظ قضایی میان مقام‌های مالی در مرکز یا در ایالت‌ها وجود نداشت.

ویژگی شخصی در فعالیت‌های دستگاه سیاسی کشور و انعکاس آن در مدیریت دستگاه مالی نیز دیده می‌شود. به این معنا که جمع‌آوری مالیات‌ها بر مبنایی سراسری و هدفمند اجرا نمی‌شد، بلکه بیشتر به صورت شخصی و فردی انجام می‌گرفت. پرداخت مالیات، تعیین نرخ آن، جدول و ترکیب آن (جنسی، پولی یا نقدی) و جرایم عدم پرداخت همه قابل چانه‌زدن بودند. هر مالیات‌دهنده‌ای (روستایی، صنفی، ارباب و مالک و یا از قبایل بود) تا هر جاکه بتواند چانه بزند، در جهت آن می‌کوشید، چرا که مالیات‌ها و مالیات‌دهنده‌ها برای گیرندگان مالیات (یا هر مقام حکومتی) نوعی منبع درآمد و بدهکار محسوب می‌شدند و در این حالت مرز میان مالیات قانونی و نوعی طلب شخصی خلط می‌گردید. این حالت به‌ویژه به هنگامی که وصول مالیات‌ها به مقاطعه واگذار می‌شد مشاهده می‌شد، زیرا مقاطعه‌کاران متقابلاً مبالغ معینی را به نام مالیات به مرکز می‌فرستادند و برای خود از محل وصول مالیات‌ها درصدی را بابت کارمزد خدمات خود که حق انحصاری آنها هم بود، برای خود برمی‌داشتند. گاهی هم مقام‌های حکومتی، مالیات‌ها را نوعی پرداخت برای جبران خدماتشان برمی‌شمردند. با این وصف اختیارات رسمی و شخصی و همچنین درآمدهای عمومی و خصوصی با هم آمیخته می‌شدند.

شاهان هر از چند گاهی در برابر زیاده‌روی‌های وصول مالیات (به نام زواید) وارد عمل می‌شدند، اما فقط با این دید که اختیار موروثی شاهانه‌ای یافته‌اند، برای مجازات خلفا کارها دست به کار می‌شدند. در واقع وقتی شاهان فرمان‌هایی برای معافی مالیاتی کسی یا کسانی از پرداخت این وجوه غیر قانونی می‌دادند، به نوعی غیرمستقیم رضایتشان را از وصول زواید آنانی که معاف شده بودند، را نشان می‌دادند. شاهان ندرتاً به ابطال یا لغای وصول نوع خاصی از مالیات (غیر قانونی) در قلمرو پادشاهی خود دست می‌زدند. در ۹۷۱ق/ ۱۵۶۳م شاه طهماسب صفوی، وصول مالیاتی به نام (تمغا) را صادر کرد و شهر قندهار را از آن معاف کرد، لیکن جانشینانش این مالیات را دوباره برقرار ساختند.

این شیوه از مالیات‌گیری شخصی و اجباری، حتی گاه به مصادره‌داری‌ها، فرضاً در مجازات یک متصدی مالیاتی به سبب سواستفاده‌های ناروای او از مالیات‌دهندگان نیز می‌انجامید. شاید هم بعدها این گونه مصادره‌ها به شیوه‌ای دائمی در این دستگاه مالیاتی بدل شده باشد، چرا که مسئله چنان نبود که تنها یک متصدی بتواند از طریق مالیاتی که از مالیات‌دهندگان می‌گرفت، ثروتمند گردد، بلکه فقط شخص شاه می‌توانست اراده متوقف کردن عملکرد این افراد را داشت. به همین سبب مالیات‌های موقت یا مقطعی اغلب به مالیات‌های دائمی و همیشگی بدل می‌شدند. شاهان،

ساختار دستگاه مالیاتی را هیچ‌گاه تغییر نمی‌دادند و این دستگاه همچنان به نفع شمار اندکی از ثروتمندان از جمله: کارکنان حکومتی، قشون، ملایان و بازاریان - که مالیات کمتری می‌دادند - می‌چرخید. انباشتگی بار سنگین مالیات‌ها بر دوش مردم روستاها و شهرها بود. از همه مهمتر آن‌که مقصود از چنین دستگاه مالیاتی، توسعه و پیشرفت اقتصاد و جامعه نبود. بلکه بیشتر نوعی از عادت و سنت رسمی شده بی‌هدفی بود که همچنان کاربرد داشت و اجازه می‌داد قشرهای ثروتمند جامعه به زیان توده مردم که در فقر و تنگدستی می‌زیستند، تداوم داشته باشد. ماهیت اجباری و زور که در جمع‌آوری مالیات‌ها وجود داشت، مانع از انباشت سرمایه عمومی و سبب عدم پیشرفت دستگاه اقتصادی می‌گردید. کارکرد دستگاه مالی - مالیاتی به این ترتیب خود پیامد و نتیجه کارکرد سیاسی در کل آن بود. میلسپو کارشناس مالی آمریکا که در اواخر دوره قاجاری به ایران دعوت به کار شده بود تا دستگاه مالیاتی کشور را اصلاح کند، چنین می‌گوید: «مالیات در کشور ملغمه‌ای از بی‌نظمی‌های به‌جا مانده از برخی عادت‌ها و رسوم و قوانین مصوب یا نامصوبی بود که به تدریج جریان یافته بودند. برای بحث جامع‌تر پیرامون آن نیاز به یک جلد کتاب جداگانه‌ای است»^۱. این نکته کوتاه برای علاقه‌مندان افزوده شده است.

۱. میلسپو، ا. سی. امریکایی‌ها در ایران، نیویورک ۱۹۲۵/م ۱۳۰۴ ش، ص ۶۱؛ جولیان باربر، اقتصاد ایران، ۱۳۴۹-۱۲۷۹ ش/ ۱۹۷۰-۱۹۰۰ م، نشریه ۵۳ سازمان حسابرسی، ۱۳۶۳ ش، ص ۹۰.